

نام پدر: میرزا آقا

تاریخ تولد: 1/12/1342

تاریخ شهادت: 20/4/1366

محل شهادت: جزیره مجنون

یگان اعزامی: سپاه

وضعیت تأهل: متأهل



حجت جمائیلی در 1/12/1342 در یک خانواده مذهبی، در محله کلویر بندرانزلی به دنیا آمد. از کودکی عاشورایی بود و

از فعالان مراسم مذهبی و از ارادتمندان ائمه معصومین (ع) بود.

مسجد محل مکانی بود که حجت در آن خلوت میکرد و به تلاوت قرآن می پرداخت.

تحصیلات ابتدایی را در مدرسه قاپوس ودوره راهنمایی را در مدرسه راهنمایی شهید سماک گذراند. علاوه بر عشق به عبادت، از علاقه مندان ورزش هم بود. زیرا اعتقاد داشت که مسلمانان باید از نظر بدنی خود را تقویت کنند و همیشه آماده باشند تا بتوانند به خوبی از ون دفاع کنند.

به فوتبال و کشتی علاقه خاصی داشت و در اوقات فراغت به این ورزش ها می پرداخت.

با پیروزی انقلاب اسلامی در سن 16 سالگی وارد جهاد سازندگی شد و به کمک دیگر برادران حزب الهی، پایگاه مقاومت محل را تشکیل داد.

به دنبال تلاش شبانه ریزی در بسیج، به پایگاه کپورچال منتقل شد و بعد به عضویت رسمی سپاه درآمد.

پس از ازدواج به طور داوطلبانه رهسپار منطقه جنگی غرب شد و در یکی از عملیات ها روی مین رفت و مجروح شد و یک هفته در بیمارستان بستری گردید. در طول آن هفته می خواست موضوع مجروحیتش را به خانواده اش اطلاع ندهد. پس از بهبودی، به سپاه انزلی منتقل شد. او جراحات خود را یک ضرب خوردگی معمولی جلوه می داد و این رفتار، از ویژگی های او بود. هرگز کارهایی را که راه خدا و وطن انجام می اد، بازگو نمی کرد.

حجت پس از انتقال به سپاه رضوانشهر، رودرروی منافقینی که در جنگل های منطقه جابخوش کرده بودند، فرار گرفت و با کمک دیگران به قلب جنگل زد و پایگاه های آنان را نابود کرد و به حضور آنان در منطقه پایان داد.

او همچون دیگر شهدا، به امام امت بسیار عشق می ورزید و فرمان های حضرت امام (ره) را با جان و دل می پذیرفت. وقتی به دستور امم، جبهه ها باید انباشته از نیرو می شد، او جزو پرچمداران بود. با اولین اشاره در خطوط جنگی حاضر می شد و مسئولان را از نعمت وجود خود بهره مند می ساخت.

رفت و آمد او به جبهه ادامه داشت تا اینکه برای آخرین بار، در سال 66 به جنوب اعزام و در گردان حماسه آفرین سلمان،

،سازمانده

در لشکر قدس، در شوشتر
ی شد و پس از چند روز رهسپار
جزایر مجنون

گردید و در آنجا با پاتک بسیار سنگین قوای بعثی مواجه شد. حجت بلافاصله نیروهای تحت امر را به مقاومت فراخواند.

نیروهای رزمی عراق که از طرف نیروی هوایی و آتش بسیار سنگین توپخانه پشتیبانی می شدند، لحظه به لحظه به خاکریزهای شیران شمال نزدیک می شدند. پس از رسیدن به تیر رس، با آتش بی امان حجت و یاران او مواجه شدند و پس از نبردی سنگین، در حالی که منطقه انباشته از تانک های منهدم شده بعثی شده بود، حمله دشمن دفع شد و مواضع ایران با شهادت رزمندگان حفظ گردید. وقتی نیروهای امدادگر وارد محل شدند با پیکرهای مطهر شهید جمائیلی و دیگر شهدا که مثل خورشید می درخشیدند و به بازماندگان یادآوری می کردند که ما به عهد خود وفا کردیم و خون خود را به رهبر هدیه کردیم و حال نوبت شماست که نگذارید پرچم اسلام که توسط روح خدا برافراشته شده بر زمین بماند، مواجه شدند.

راهش پر رهرو باد.